

[دومین همایش ملی روانشناسی مدرسه]

[اردبیل، دانشگاه محقق اردبیلی]

[دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی]

[۲۳ اردیبهشت ۹۵]



## شکل گیری نظام آموزشی نوین در دوره قاجاریه

جعفر آقازاده<sup>۱</sup>

### چکیده

نظام آموزشی دوره قاجار را می توان در امتداد سیستم سنتی تعلیم و تربیت در تاریخ ایران دوره اسلامی بررسی و تحلیل نمود. در جریان جنگهای ایران و روسیه، درباریان تبریز به ناکارآمدی نظام آموزشی ایران پی برده و با اعزام محصل به خارج، اولین شکاف را در نظام سنتی تعلیم و تربیت در ایران ایجاد کرده و نخستین گامها برای انتقال علوم نوین به ایران را برداشتند. این روند با تأسیس مدارس نوین در اواسط دوره قاجار سرعت شتابان به خود گرفت. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیل در پی واکاوی روند ایجاد شکاف در نظام سنتی تعلیم و تربیت در ایران و شکل گیری ساختار آموزشی نوین در دوره قاجار هستیم. یافته‌ها نشان می دهد؛ عدم کارآمدی نظام تعلیم و تربیت سنتی ایران در مواجهه با دنیای نوین، سبب وارد شدن ایرادات جدی به آن در بعد نظری گردید. با تأسیس مدرسه دارالفنون و مدارس رشدیه، ایرانیان گامهای عملی برای شکل گیری نظام آموزشی نوین با الگوبرداری از غرب را برداشتند.

**کلیدواژه‌ها:** نظام آموزشی نوین، حکومت قاجار، مدرسه دارالفنون، میرزا حسن رشدیه.

دومین همایش ملی روانشناسی مدرسه

<sup>۱</sup> استادیار گروه تاریخ دانشگاه محقق اردبیلی. j.agazadeh@uma.ac.ir



## [دومین همایش ملی روانشناسی مدرسه]

[اردبیل، دانشگاه محقق اردبیلی]

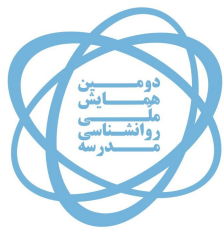
[دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی]

[۲۳ اردیبهشت ۹۵]



### مقدمه

جنگهای ایران و روس و شکستهای پیاپی ایرانیان در برابر روسها و قرار گرفتن ایران در مدار کشورهای اروپائی که باعث باز شدن پای آنها به ایران شد، سبب آگاهی ایرانیان از دنیای اطراف و تفاوتهای عمیق جامعه ایران با اروپا شد. همچنین این مسئله سبب پی بردن برخی از ایرانیان به عقبماندگی فرهنگی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و علمی خود شد. اولین گروهی که به این ضعف پی برده و درصدد جبران آن برآمد، دربار تبریز با محوریت عباس میرزا و خاندان قائم مقام بود. صرف نظر از اقدامات متعدد آنها در طرح ریزی طرح نو و آغاز اصلاحات در ایران، یکی از مهم ترین حوزههایی که مورد توجه قرار گرفت، حوزه علم و دانش بود. عباس میرزا و مشاورانش به خوبی واقف بودند که نه تنها در همه علوم نوین و فنی، بلکه در شاخه های علوم نظری و انسانی هم اطلاعات و دانش های ایرانیان ناچیز و بی پایه و اساس است؛ بنابراین نه تنها دستور ترجمه کتاب هایی از زبان های اروپایی به فارسی را صادر نمودند، بلکه سعی کردند با اعزام محصلینی به خارج از کشور زمینه لازم برای انتقال آنها به داخل کشور را فراهم نمایند، در نتیجه چند نفر از اطرافیان خود را که در آنها ذوق و استعدادی برای کسب علوم جدید می دیدند، انتخاب و آنها را روانه اروپا نمودند. اما این انتقال علوم از طریق اعزام دانشجو به خارج با توجه به تفاوت های عمیق فرهنگی ایران با اروپا و سختی معاش و تحصیل ایرانیان اعزامی به خارج و محدود بودن تعداد آنها، نتوانست تحولی در نظام آموزشی و علمی ایران ایجاد نماید. پس از مرگ عباس میرزا و قتل قائم مقام فراهانی به دست محمدشاه قاجار (حکومت ۱۲۵۰-۱۲۶۴ق)، حکومت قاجار با صدرت حاج میرزا آغاسی، هرگونه تغییر و اصلاح را کنار نهاد و اصلاحات عباس میرزا هم به تعطیلی کشیده شد. اما در دوره حکمرانی ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ق)، با هدایت میرزا تقی خان امیرکبیر که از تربیت یافتگان مکتب تبریز بود، اندیشه اصلاح ساختار آموزش سنتی ایران با تأسیس مدرسه دارالفنون صورت عمل به خود گرفت. راه امیرکبیر توسط دیگر اندیشمندان و متفکران ایرانی ادامه یافت و به مرور شکاف اساسی در آموزش سنتی ایران ایجاد و زمینه برای طرح ریزی نظام آموزشی جدید در ایران فراهم گردید. تا کنون پژوهشی جدی درباره روند شکل گیری مدارس نوین در ایران دوره قاجار و ایجاد شکاف در نظام سنتی تعلیم و تربیت در ایران انجام نشده است. لذا خلأ پژوهشی در این حوزه مشوقی برای ورود به بحث مورد نظر گردید. در مطالعه فرارو به دنبال پاسخ گفتن به این سؤال هستیم: نظام آموزشی نوین در دوره قاجاریه چگونه شکل گرفت؟ فرضیه پژوهش: شکل گیری نظام آموزشی نوین در دوره قاجار را باید حاصل شک و تردید ایرانیان به تعلیم و تربیت سنتی و کارآمدی آن دانست. حرکت به سوی نظام آموزشی نوین با اعزام محصل به اروپا و شکل گیری مدرسه دارالفنون آغاز و با تلاشهای میرزا حسن رشدیه به اوج رسید.



## [دومین همایش ملی روانشناسی مدرسه]

[اردبیل، دانشگاه محقق اردبیلی]

[دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی]

[۲۳ اردیبهشت ۹۵]

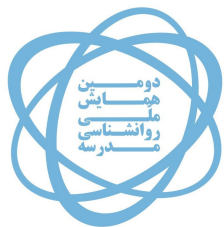


### روش تجزیه و تحلیل و داده‌ها:

در پژوهش پیش رو به ایجاد شکاف در آموزش سنتی ایران و شکل گیری نظام نوین آموزشی نوین در دوره قاجار پرداخته می شود. با توجه به ماهیت موضوع روش پژوهش در این موضوع توصیفی-تحلیلی خواهد بود. یعنی پژوهشگر ابتدا می کوشد موضوع مورد نظر را توصیف و سپس دلایل و چگونگی و نحوه شکل گیری نظام آموزشی نوین در اواسط دوره قاجار تحلیل می شود.

### بحث و نتیجه گیری

میرزا تقی خان امیر کبیر که مراحل رشد و ترقی خود را در ارتباط تنگاتنگ با خاندان قائم مقام طی کرده و برکشیده این خاندان و یکی از رجال عمل گرا و صاحب اندیشه مکتب تبریز بود، با رسیدن به صدارت ناصرالدین شاه جوان در سال ۱۲۶۴، از این فرصت برای اصلاحات اساسی در وجوه کهنه و فرتوت جامعه ایران استفاده نمود. یکی از مهم ترین اقدامات او در زمینه ترویج آموزش های نوین که نام او را برای همیشه به عنوان بانی نظام آموزشی نوین در ایران معرفی نموده، تأسیس مدرسه دارالفنون است. دارالفنون اولین مدرسه جدیدی بود که در ایران با هزینه دولتی تأسیس گردید. بنای مدرسه دارالفنون در زمان صدارت امیر کبیر و با پیشنهاد و همت او در سال ۱۲۶۶ق آغاز شد و در اواخر سال ۱۲۶۷ق به پایان رسید. هنگام افتتاح این مدرسه امیر کبیر از صدارت عزل شده بود، در نتیجه ناصرالدین شاه شخصاً مدرسه دارالفنون را با هفت نفر معلم اتریشی و چند مترجم و در حدود ۱۵۰ دانشجو که ۱۴ تا ۱۶ ساله بودند، در ربیع الاول سال ۱۲۶۸ افتتاح کرد (آدمیت، ۱۳۶۲: ۳۶۱-۳۶۵). یکی از تفاوت های این مدرسه با مدارس سنتی در مواد درسی آن بود؛ در دارالفنون در رشته های مختلفی از جمله طب، داروسازی، ریاضی، جغرافیا، زبان های خارجی و تعلیمات نظامی تدریس می شد. این مدرسه از عوامل مهم تجلّد و تحوّل در ایران به شمار می رود و در ظرف چهل سال متجاوز از ۱۱۰۰ نفر از آن مدرسه فارغ التحصیل شدند که بعضی از آنها خدمات ارزنده ای به تحول و ترقی کشور انجام دادند (شمیم، ۱۳۸۳: ۱۶۵-۱۶۶؛ صدیق، ۱۳۵۴: ۱۷۵؛ اورسل، ۱۳۸۲: ۲۶۵). مدرسه دارالفنون ایران اگرچه هم طراز با دارالفنون وین بنیان گذاری شده بود، اما مدرسه به اعیان و اشراف اختصاص داشت و شامل آموزش های لازم در مراحل متوسطه و عالی بود. فرزندان طبقات فرودست و عادی جامعه از تحصیل در آن مدرسه محروم و امکان استفاده از دارالفنون را نداشتند (رشدیه، ۱۳۶۲: ۱۲؛ روششوار، ۱۳۷۸: ۱۰۵). دارالفنون اولین شکاف را در نظام آموزش سنتی ایران ایجاد کرد، اما تأثیرات آن آنقدر وسیع و دامنه دار نبود و نتوانست نیاز ایرانیان به آموزش نوین را برآورده نماید، در نتیجه در نیمه دوم قرن سیزدهم هجری، مدارس سنتی و مکتب خانه ها آماج حملات و انتقادات شدید جریان روشنفکران، به ویژه فارغ التحصیلان دارالفنون و محصلان اعزامی به خارج از کشور مواجه گردید، انتقاد مهمی که علیه این مدارس مطرح بود، این بود که آنها ناتوان از تربیت کودکانی آشنا با دنیای نو بودند. در واقع منورالفکران ایرانی پیش از مشروطه معتقد بودند که نظام و محتوای آموزشی سنتی به عصر ارزش های کهنه تعلق دارد و پاسخگوی نیازهای دنیای جدید نخواهد بود. علی رغم این انتقادات محتوا و روش



## [دومین همایش ملی روانشناسی مدرسه]

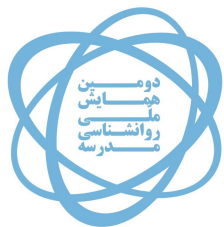
[اردبیل، دانشگاه محقق اردبیلی]

[دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی]

[۲۳ اردیبهشت ۹۵]



آموزش مکاتب تا اوایل قرن چهاردهم سیزدهم کماکان بدون تغییر باقی ماند. همزمان با ادامه فعالیت دارالفنون و مکتب‌خانه‌ها، تلاش خستگی‌ناپذیری برای ارائه تعلیم و تربیت جدید از سوی پیشگامان آن؛ یحیی دولت‌آبادی، مهدی مظفر، محمود احتشام و بالاتر از همه میرزا حسن رشديه صورت پذیرفت. ابتکار اصلی این افراد طرح موضوعات جدیدتر و کنار گذاردن متون قدیمی بود؛ اما وسیع‌ترین نوآوری را میرزا حسن رشديه با بکارگیری شیوه جدید تدریس خود مطرح ساخت. در سال ۱۲۹۸ق میرزا حسن خان رشديه (۱۲۳۰-۱۳۲۳) فرزند آخوند ملا مهدی تبریزی که از چهره‌های روشنفکر و آزاداندیش دوره قاجار به شمار می‌رفت، با شناختی که از همه‌ی عیب‌ها و نقایص اصول و روش‌های تعلیم سنتی در ایران پیدا کرده بود، هنگامی که در یکی از شماره‌های روزنامه ثریا خوانده بود که در اروپا از هر صد نفر یک نفر بی‌سواد است، درحالی که در ایران از هزار نفر تنها یک نفر باسواد هستند، به فکر اصلاح روش‌های تعلیم و تربیت در ایران افتاد و چاره را در اصلاح اصول تعلیم و تربیت سنتی در ایران دید. او برای آگاهی بهتر از اصول و روش‌های آموزش نوین به بیروت سفر نمود و در مدرسه‌ای که اروپائیان در این شهر بر پا نموده بودند، به تحصیل پرداخت. رشديه از سال ۱۲۹۸ در یکی از مدارس بیروت زیر نظر معلمان تربیت‌یافته‌ی فرانسوی به فراگیری اصول تعلیم و آشنایی با تعلیمات جدید اقدام و پس از دو سال تحصیل و فراگیری روش‌های نوین تعلیم و تربیت اروپائی، باهدف تأسیس مدارس نظیر آن در ایران، در سال ۱۳۰۰ق ابتدا اقدام به تأسیس مدرسه برای ایرانیان ساکن ایروان نمود، این مدرسه حدود پنج سال در این شهر به سرپرستی رشديه دایر بود. اما، پس از این مدت فعالیت به اشاره ناصرالدين شاه تعطیل و اموال آن ضبط شد (رشديه، ۱۳۶۲: ۲۵). این جریان را می‌توان نمونه‌ای از مقابله نظام سنتی و استبدادی ایران با هرگونه تغییر و تحولات در ساختار جامعه سنتی ایران دانست، ناصرالدين شاه که به‌خوبی به عواقب خطرناک تغییر نظام فکری و اندیشه‌ای مردم ایران بر حکومت خود واقف بود، در واقع با دستور تعطیلی مدرسه رشديه در ایروان، دستور تعطیلی و توقف نواندیشی و تفکر نوین و مبتنی بر علوم جدید را صادر نمود. پس از این وقایع، رشديه از تلاش و کوشش برای تغییر ساختار آموزشی ایران دست برنداشت، بنابراین اولین مدرسه جدید را به سال ۱۳۰۵ق در محله خیابان تبریز به نام «مدرسه رشديه» تأسیس نمود. اگرچه مدرسه با استقبال بخش بزرگی از مردم تبریز مواجه گردید، اما گروهی که اندیشه‌های نوگرایانه رشديه را مخالف منافع خود می‌دیدند، مدرسه را تعطیل کردند و فتوای تکفیر و مهدور الدم بودن رشديه را صادر نمودند. رشديه به‌ناچار از ترس جان به مشهد فرار نمود و بعد از شش ماه اقامت در این شهر دوباره به تبریز مراجعت و مدرسه رشديه را بازگشایی نمود، رشديه با سرسختی خاصی کار خود را دنبال نمود و عاقبت بعد از این که پنج بار مدرسه تعطیل شد، سرانجام مدرسه را با حمایت میرزاعلی خان امین‌الدوله که در آن زمان در تبریز کارگزار آذربایجان بود، مجدداً دایر کرد (مشایخی، ۱۳۸۹: ۱۰۸). میرزاعلی خان امین‌الدوله فرزند مجدالملک از سیاستمداران روشن‌فکر دوره قاجار تأثیرات عمده‌ای در آموزش و پرورش نوین در این دوره دارد. او دارای معلومات نوین و جدید در علوم بود و آشنایی کاملی به تحولات جهانی داشت. او فردی معارف‌پرور بود و به افکار نوین آشنایی کاملی داشت. در دوران



## [دومین همایش ملی روانشناسی مدرسه]

[اردبیل، دانشگاه محقق اردبیلی]

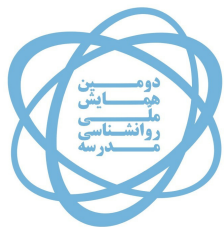
[دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی]

[۲۳ اردیبهشت ۹۵]



صدارت امین‌الدوله (۱۳۱۴-۱۳۱۶ق) مردم ایران با توجه به شخصیت روشن و آزاداندیش امین‌الدوله، از آزادی نسبی برخوردار شدند و روزنه‌امیدی برای اصلاح اوضاع کشور ایران در دل اصلاح‌طلبان پدید آمد. تأسیس مدارس نوین که تا آن زمان در ایران ممنوع بود در دوران صدارت او میسر گردید. اولین مدرسه جدید تهران در سال ۱۳۱۵ق در باغ کربلایی عباس علی افتتاح گردید و مورد استقبال مردم ایران قرار گرفت. به فرمان امین‌الدوله چهل نفر از فرزندان ایتم به خرج دولت در کلاس‌های درس حضور یافته و حمایت دولت از رشديه و اندیشه نوین مدرسه‌سازی وی تکمیل گردید (مجدالاسلام کرمانی، بی تا ۹۳-۹۴؛ مشایخی، ۱۳۸۹: ۱۱۰). اقدامات فرهنگی امین‌الدوله در تأسیس مدارس جدید تحولی نو در سیستم آموزشی کشور ایجاد نمود. یکی از اهداف مهم امین‌الدوله که در اجرای آن‌هم کاملاً موفق بود، تأسیس مدارس جدید و اولین قدمی که در این راه برداشت، دایر نمودن مدرسه رشديه به مدیریت میرزا حسن رشديه بود. در واقع امین‌الدوله را بعد از میرزا تقی‌خان امیرکبیر می‌توان برپاکننده نظام جدید آموزشی در ایران دانست، زیرا گشایش همین یک مدرسه توسط وی و تشویقی که مظفرالدین شاه از این عمل کرد، مردمان دانش‌دوست و دارالفنون دیده‌ها را بر آن داشت که در این زمینه از صدراعظم حمایت نمایند (افضل الملک، ۱۳۶۱: ۲۸۳؛ دولت آبادی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۱۷۸) البته این مدارس در مراحل اولیه خود نقایص زیادی داشت، زیرا ساختمان جز خانه‌ای اجاره‌ای که برای این کار ساخته نشده بودند، نبود و معلمین آن اغلب مکتب داران قدیم و بخشی از شاگردان دارالفنون بودند که در این اواخر از نظر علمی در مرحله پایینی قرار داشتند، این مدارس از شیوه تعلیمی یکسانی تبعیت نمی‌کردند و رویه واحدی در امر تعلیم و تربیت وجود نداشت. ایراد دیگر این مدارس در این مرحله تدریس کتاب‌های مشکل فارسی و حتی زبان‌های خارجی در کلاس‌های پایه‌های دو و سه بود؛ اما علی‌رغم همه این مشکلات راهی که رشديه با حمایت امین‌الدوله آغاز نموده بود، زمینه را برای فعالیت‌های گسترده‌تر فراهم نمود و از طرفی با تجاربی که کسب می‌شد، نواقص این شیوه تعلیم و تربیت برطرف می‌شد. به تدریج تعداد علاقه‌مندان به تأسیس مدارس بیشتر گردید و برخی از روی دانش‌دوستی و برخی از روی تقلید و عده‌ای معدود از روی منافع مادی به تأسیس مدارس اقدام نمودند: «ماهی نمی‌گذشت که یکی دو تا از این مدارس جدید باز نشود، مردم هم اقبال زیاد نشان می‌دادند و تمام طبقات بچه‌های خود را باین مدارس می‌فرستادند، چیزی نگذشت مکتب‌خانه‌های سر گذرها و مکتب‌خانه‌های اعیان همه بسته شد و مدارس جدید جای آن را گرفت» (مستوفی، بی تا، ج ۲: ۱۸)

فکر نوین رشديه، شیوه آموزش وی موسوم به «طرز جدید» بود که برای نخستین بار آموزش الفبای آوایی را جانشین آموزش الفبای ابجد ساخت و با این کار توانست خواندن و نوشتن را در مدت‌زمان کوتاه و باکیفیت بهتر به کودکان تعلیم دهد. این شیوه تازه آموزش سنتی را دستخوش دگرگونی بنیادی ساخت و نقطه عطفی در تاریخ آموزش و پرورش ایران گردید. رشديه روش تدریس خود را در خلال تحصیلاتش در بیروت و آشنایی با معلمان فرانسوی و انگلیسی در دارالمعلمین فراگرفت (رشديه، ۱۳۶۲: ۷۰). محتوای آموزش وی چندان فراتر از برنامه متداول آن زمان نبود، لیکن روش تدریس وی به سرعت راه را برای گسترش برنامه آموزش و پرورش و در



## [دومین همایش ملی روانشناسی مدرسه]

[اردبیل، دانشگاه محقق اردبیلی]

[دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی]

[۲۳ اردیبهشت ۹۵]



برگرفتن موضوعات جدید هموار ساخت، به طوری که مدارس وی در کوتاه مدت از نظر کیفیت آموزشی سرآمد روزگار خویش گردیدند. برخلاف مکاتب سنتی که شاگردان در طرفین معلم و در گرداگرد اتاق روی زمین می نشستند، رشدیه کودکان را به نیمکت های دو تا سه نفری و در پشت میز نشانید. نیمکت ها در ردیف های مستقیم و مقابل معلم چیده شدند تا حداکثر توجه کودکان به سوی وی جلب شود (کسروی، ۱۳۸۴: ۲۱). این روش که در آن زمان یک تحول مثبت برای ایجاد فضای جدید تلقی می شد، بعدها همچنان محفوظ ماند و تا به امروز به عنوان روش پذیرفته شده آرایش کلاس درس، شناخته می شود. نحوه استقرار بچه ها در کلاس درس در این ترکیب، شکل کلاس و نیز ساماندهی فضاهای مدرسه را تعیین نموده و لذا منشأ شکل گیری مدارس نوین در ایران گردید. حرکت مهم انقلابی رشدیه در نوع رابطه معلم و شاگرد بود که با پرهیز از نظم خشک و مستبدانه مکتب خانه ها و روی آوردن به فضایی آزادتر برای تحرک روحی کودک میسر گردید. در مکتب خانه ها کودکان نوعاً با تهدید به تنبیه وادار به یادگیری می شدند، در حالی که رشدیه عملاً تنبیهات متداول در مکتب خانه را کنار گذاشته و تلاش می نمود تا محیطی قابل تنفس و مناسب با شرایط روحی کودک فراهم نماید. او بر این باور بود که محیط آموزش سنتی، فشار دافعه برانگیزه، ذهن و احساس کودک وارد ساخته، به جای کمک به رشد فکری او عملاً نقش بازدارنده ای را ایفا می نماید (سمیع آذر، ۱۳۷۶: ۱۷۸). بدین ترتیب رشدیه تلاش نمود تا با دادن شخصیت به کودک او را در روند یادگیری فعال تر سازد. حرکت رشدیه در آن زمان از سوی بسیاری از روشنفکران از جناح های مختلف، مثبت و پیشرو قلمداد شد، اما مکتب داران و برخی از افراد مذهبی که مروج سنتی تعلیمات ابتدایی بودند، روش جدید رشدیه را نوعی بدعت و حتی انحراف از دین تفسیر نمودند. باین حال رشدیه هرگز از تلاش فرهنگی خود دست نکشید و با وجود دشواری های فراوان و علی رغم تهدیدات جریان استبداد و خشک اندیشان، سراسر عمر خویش را در تربیت نوباوگان میهن گذراند (افضل الملک، ۱۳۸۱: ۳۸۲).

### منابع

- آدمیت، فریدون (۱۳۵۰)، *امیرکبیر و ایران*، تهران، امیرکبیر.
- افضل الملک، غلامحسین (۱۳۶۱)، *افضل التواریخ*، تهران، نشر تاریخ ایران.
- اورسل، ارنست (۱۳۸۲)، *سفرنامه قفقاز و ایران*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- دولت آبادی، یحیی (۱۳۶۱)، *حیات یحیی*، تهران: ابن سینا.
- رشدیه، شمس الدین (۱۳۶۲)، *سوانح عمر*، تهران: نشر تاریخ ایران.
- روششوار، ژولین (۱۳۷۸)، *خاطرات سفر ایران*، ترجمه مهراں توکلی، تهران: نی.
- سمیع آذر، علیرضا (۱۳۷۶)، *تاریخ و تحولات مدارس در ایران*، تهران: سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور.
- شمیم، علی اصغر (۱۳۸۳)، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، تهران: زرین.
- صدیق، عیسی (۱۳۵۴)، *تاریخ فرهنگ ایران*؛ از آغاز تا عصر حاضر، تهران: زیبا.



[دومین همایش ملی روانشناسی مدرسه]

[اردبیل، دانشگاه محقق اردبیلی]

[دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی]

[۲۳ اردیبهشت ۹۵]



کسروی، احمد (۱۳۸۴)، تاریخ مشروطه ایران، تهران، امیرکبیر.

مجدالاسلام کرمانی، احمد (بی تا)، سفرنامه کلات، اصفهان، دانشگاه اصفهان.

مستوفی، عبدالله (بی تا)، شرح زندگانی من، بی جا: بی نا.

مشایخی، عبدالکریم (۱۳۸۹)، «تحولات نوین آموزشی در دوره قاجار و تأثیر آن بر روند مدرسه‌سازی در بوشهر»، تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، شماره ۱.

